



Studying the style of family communication patterns and how adolescents identify in the family

Zahra Amanollahi¹ | Maryam Kakavandi Chaghasfed^{2✉} | Fatemeh Zahra Hosseini³

1. Assistant Professor, Department of Counseling, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: Z.Amanollahi@alzahra.ac.ir

2. Corresponding Author, PhD Counseling, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. Email: m.kakavandy@gmail.com

3. MSc Counseling, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. Email: fzahra.hoseiny@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2024-08-17 Received in revised Form: 2025-05-14 Accepted: 2025-08-30 Published online: 2025-9-20 Keywords: Adolescent, Identity, Family Communication Styles.	The first social base in all stages of development, especially in the teenage years, which plays an important role in regulating the thoughts, feelings and behavior of adolescents, is the family. On the other hand, the phenomenon of adolescence is accompanied by the fundamental question that the adolescent asks himself "Who am I?" This question, which will continue for several years, is an inseparable part of the adolescent's "identity-finding" process. In this study, in order to understand the lived experience of adolescent girls from the style of family communication patterns and how they identify, a qualitative research method with a phenomenological approach (Husserlian) was used. The research field included female high school students aged 19 and 20. A total of 11 adolescents who obtained information on their identity style in the Berzonsky Identity Style Questionnaire were included in the study. The study reached saturation with interviews with 9 adolescents. It should be noted that the interviews continued up to 11 people, but no new information was added to the research in interviews 10 and 11. The Claise method was used to analyze the data. Data analysis resulted in the production of 4 main themes and 13 subthemes. The main themes included the independence of the adolescent, the family's empathy with the adolescent, unconditional attention to the adolescent, and the adolescent's social skills. The results of the study indicate that by providing an open and free space and positive changes in the quality of their communication, parents enable children to freely express their opinions, desires, suggestions, and criticisms. Establishing good, extensive, and effective communication with children, creating opportunities to express opinions and feelings, encouraging and persuading children to speak and express opinions, accepting the adolescent's possible mistakes and slips, respecting the thoughts and beliefs of children, using their opinions and suggestions in family decision-making, and recognizing their reasonable freedoms are themes that the interviewees believe are effective in the family's communication style with the adolescent and helping the adolescent successfully pass through the stage of acquiring identity in adolescence.

Cite this article: Amanollahi, Z., Kakavandi Ghaghasfed, M. & Hosseini, F.Z (2025) Studying the style of family communication patterns and how adolescents identify in the family, *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (1), 117-134.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.381026.671256>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.381026.671256>

مطالعه‌ی سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده

زهرا امان‌اللهی^۱ | مریم کاکاوندی چقاسفید^۲ | فاطمه زهرا حسینی^۳

۱. استادیار گروه مشاوره دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: Z.Amanollahi@alzahra.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دکترا مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: m.kakavandy@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: fzahra.hoseiny@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	نخستین پایگاه اجتماعی در تمام مراحل رشد به ویژه در سال‌های نوجوانی، که نقش مهمی را در تنظیم افکار، احساس و رفتار نوجوان ایفا می‌کند، خانواده است. از سوی دیگر پدیده‌ی نوجوانی با این پرسش اساسی همراه است که نوجوان از خود می‌پرسد «من کیستم؟» این پرسش را که چندسال ادامه خواهد یافت جز تمایز نیافتنی فرایند «هویت‌یابی» نوجوان است. در این پژوهش به منظور درک تجربه زیسته دختران نوجوان از سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی آنان، از پژوهش روش کیفی بارویکرد پدیدارشناسی (هوسرلی) استفاده شده است. میدان پژوهش شامل دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم در بازه سنی ۱۹ و ۲۰ بود. تعداد ۱۱ نفر از نوجوانان که در پرسش‌نامه سبک هویتی برزونسکی، سبک هویتی اطلاعاتی را بدست آوردند وارد مطالعه شدند. با مصاحبه با ۹ نفر از نوجوانان پژوهش به اشباع رسید. لازم به ذکر است که مصاحبه‌ها تا ۱۱ نفر ادامه پیدا کرد اما در مصاحبه ۱۰ و ۱۱ اطلاعات جدیدی به پژوهش اضافه نشد. به جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به تولید ۴ مضمون اصلی و ۱۳ مضمون فرعی منجر شد. مضمون‌های اصلی شامل استقلال داشتن نوجوان، همدلی خانواده با نوجوان، توجه بی قید و شرط به نوجوان و مهارت اجتماعی نوجوان بود، نتایج پژوهش بیانگر است که والدین با فراهم نمودن یک فضای باز و آزاد و تغییرات مثبتی در کیفیت ارتباطات خود باعث می‌شوند فرزندان بتوانند آزادانه نظرات، تمایلات، پیشنهادات و انتقادات خود را بیان نمایند. ایجاد ارتباطات خوب، گسترده و مؤثر با فرزندان، ایجاد فرصت برای ابراز نظر و بیان احساسات، تشویق و ترغیب فرزندان به سخن گفتن و ابراز نظر کردن، پذیرش اشتباهات و لغزش‌های احتمالی نوجوان، احترام گذاشتن به افکار و باورهای فرزندان، استفاده از نظرها و پیشنهادهای آنها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و به رسمیت شناختن آزادی‌های معقول آنها مضامینی است که مصاحبه‌شوندگان معتقدند بر سبک ارتباطی خانواده با نوجوان و کمک به نوجوان در گذر موفق از مرحله کسب هویت در سنین نوجوانی مؤثر است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹	
کلیدواژه‌ها:	
نوجوان، هویت‌یابی، سبک‌های ارتباطی خانواده.	

استناد: امان‌اللهی، زهرا؛ کاکاوندی چقاسفید، مریم، و حسینی، فاطمه زهرا؛ (۱۴۰۴). مطالعه‌ی سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۱)، ۱۱۷-۱۳۴. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.381026.671256>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.381026.671256>

مقدمه و بیان مسئله

مبحث هویت یا فرآیند تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش «من کیستم»، موضوع تازه‌ای نیست و از دیرباز، ذهن بشر را به خودمشغول کرده است. با این حال، نه تنها هرگز کهنه نشده، بلکه مهم‌ترین مسئله ودغدغه‌ی انسان عصرنو به حساب می‌آید، به طوری که امروز آنچنان برجستگی یافته که به شاه بیت مطالعات اجتماعی بدل شده و به ویژه در نظریه‌ها و پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی نوجوانان واجد جایگاهی محوری شده است (چمل نژاد، ذاکری ۱۳۹۷). اریکسون به عنوان اولین نظریه پرداز مهم هویت، آن را احساسی نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند و معتقد است به رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه براین، او می‌گوید: «این احساس که ماچه کسی هستیم باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند، نسبتاً هم‌خوان باشد و تأکید می‌کند دوره نوجوانی تأثیرگذارترین دوره در فرآیند کسب هویت انسان است. نوجوانی که حفاصل کودکی و بزرگسالی، از بحرانی‌ترین و تنش‌زا ترین و درعین حال حساس‌ترین دوره برای تکوین شخصیت بهنجار انسان است؛ با پیچیدگی‌ها، دشواری‌ها و تکالیفی همراه است که با زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی زندگی فرد ارتباط نزدیک دارد (عامری، عمویی ۱۳۹۵) و در آن افراد با بررسی نقشها، ارزشها و باورها، درکی منسجم از خود بدست می‌آورند (اریکسون، ۱۹۶۸).

تأثیر خانواده بر نحوه هویت‌یابی فرد را نمی‌توان انکار کرد. پویاییهای خانوادگی، از جمله سبک‌های فرزندپروری، الگوهای ارتباطی و فضای عاطفی خانواده، نقش محوری در این فرآیند ایفا می‌کنند. الگوهای ارتباطی سالم در خانواده، مانند گوش‌دادن فعال و تأیید احساسات، نوجوانان را به بیان افکار و آزمایش گزینه‌های مرتبط با هویت تشویق می‌کند (کوپکه و دنیسن، ۲۰۱۲). خانواده‌هایی که برای مسائل مختلف چارچوب‌هایی جهت مذاکره درباره باورها در اختیار نوجوانان قرار می‌دهند به نوجوان در جهت رشد هویت کمک می‌کنند. در مقابل، ارتباطات اجتناب‌محور یا انتقادی، منجر به سردرگمی در فرآیند هویت‌یابی می‌گردد. همچنین حمایت عاطفی اعضای خانواده به عنوان سپری در برابر بحرانهای هویتی، عمل می‌کند (اومانیا-تیلور و همکاران، ۲۰۱۴).

در مجموع درک تعامل بین پویایی‌های خانوادگی و شکل‌گیری هویت، پیامدهای کاربردی مهمی دارد. الگوهای خانوادگی هم‌زمان به عنوان آینه و داربست عمل می‌کنند؛ هنجارهای اجتماعی را بازتاب میدهند و نوجوانان را برای خلق هویت‌های منحصر به فرد توانمند می‌سازند. خانواده با تأثیرگذاری بر فرایندهای شناسایی نقش برای تعیین هویت خود، افزایش ظرفیت پذیرش هویت دیگران (ماگولیانا سکا)^۱ توسعه هویت؛ تعیین ارزش‌ها و اهداف و سازگاری فرد، بر فرآیند هویت‌یابی نوجوانان تأثیر می‌گذارند. همچنین الگوی دلبستگی نوجوان که منبعث از الگوهای ارتباطی در خانواده است به طور قابل توجهی بر فرآیند هویت‌یابی نوجوانان تأثیر می‌گذارد، چرا که دلبستگی‌های امن باعث اکتشاف و توسعه هویت مثبت می‌شود (کالتیال و همکاران، ۲۰۲۳)^۲

در تمامی موارد ذکر شده رد پای تأثیر سبک الگوهای ارتباطی خانواده با نوجوان در فرآیند گذار موفقیت آمیز از مسیر هویت‌یابی به چشم می‌خورد. به عبارتی مطالعه‌ی سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده ضروری به نظر می‌رسد. در این مطالعه پژوهشگران درصددند تا این مفهوم را واکاوی کنند که نوجوانان چگونه نقش سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده را توصیف می‌کنند؟

¹ Moguillansky, 2013

² Kaltiala et al., 2023

مفاهیم نظری

نخستین پایگاه اجتماعی در تمام مراحل رشد به ویژه در سال‌های نوجوانی، که نقش مهمی را در تنظیم افکار، احساس و رفتار نوجوان ایفا می‌کند، خانواده است (یوسفی، ۱۳۹۵). خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی دارای قواعد و اصول خاص است و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. یکی از مهم‌ترین سازه‌های مربوط به خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده است. منظور از الگوی ارتباطی خانواده که قادر به تأثیرگذاری بر نوجوانان می‌باشد، تعامل بین اعضای خانواده و چگونگی تصمیم‌گیری آنها با عقاید و باورهایشان است (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده یا طرح‌واره‌های ارتباط خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که براساس ارتباط اعضای خانواده بایکدیگر و اینکه اعضا چه چیزی به یکدیگر می‌گویند، چه کاری انجام می‌دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴ و انگ، روچه و پوساتری، ۲۰۱۹). در مدل اولیه الگوهای ارتباطی خانواده دوبره جهت‌گیری اجتماعی و جهت‌گیری مفهومی معرفی گردیده (مک لئود و چافی، ۱۹۷۲) که در فرم تجدیدنظرشده (ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰، کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) به دوبره جهت‌گیری هم‌نواپی و جهت‌گیری گفت و شنود تغییر نام دادند. جهت‌گیری گفت و شنود به این معناست که خانواده تا چه اندازه شرایطی را فراهم می‌آورد که در آن تمام اعضای خانواده تشویق به آن شوند که آزادانه و کاملاً عادلانه باهمدیگر بحث و تبادل نظر داشته باشند و فرزندان تشویق می‌شوند تا در مورد مسائل مختلف فکر کنند و به بحث بپردازند. در این خانواده‌ها سطح ارتباطات درون خانوادگی بالاست، فرزندان از حمایت اجتماعی خوبی برخوردارند، شخصیت آنها به صورت اصولی و درست پرورش یافته و طرح‌واره‌های آنها به خوبی شکل گرفته، سبک دلبستگی در فرزندان چنین خانواده‌هایی از نوع ایمن است و همچنین از بهزیستی روان‌شناختی بالایی برخوردارند (کامپیل-سالوم، روسچر و فریتاگ، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، در خانواده‌هایی با جهت‌گیری هم‌نواپی، هماهنگی بین اعضای خانواده و اجتناب از تعارض‌ها و مجادله‌ها وجود دارد و افراد از داشتن ارتباط باز و صمیمانه از طریق رعایت سلسله مراتب در خانواده منع و بازداری می‌شوند (والنزوتلا، باخمان و آگیلار، ۲۰۱۹). براساس ترکیب دوبره جهت‌گیری هم‌نواپی و جهت‌گیری گفت و شنود، چهار نوع خانواده تعریف می‌شود: خانواده‌های توافق‌کننده که در هر دوبره جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نواپی نمره‌ی زیادی می‌گیرند. خانواده‌های کثرت‌گرا که نمره بالایی در جهت‌گیری گفت و شنود و نمره پایینی در جهت‌گیری هم‌نواپی کسب می‌کنند. این نوع خانواده‌ها فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا عقاید خود را بیان کنند و از تنبیه نترسند. خانواده‌های حمایت‌کننده برعکس نمره بالایی در جهت‌گیری هم‌نواپی و نمره پایینی در جهت‌گیری گفت و شنود به دست می‌آورند. این نوع والدین تأکید زیادی بر اطاعت و حفظ هماهنگی بین اعضای خانواده دارند، ولی نسبت به تفکر و بحث و گفتگو در مورد مسائل مختلف علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. در این حالت، فرزندان اجازه دارند تا زمانی که هماهنگی درونی خانواده به خطر نیفتد به بیان عقاید خود بپردازند. بالاخره خانواده‌های به حال خود واگذارنده هم‌نواپی و گفت و شنود را تشویق نمی‌کنند. در این نوع خانواده‌ها فرزندان بسیار کم با والدین خود به گفتگو می‌پردازند و به طور کلی ارتباط بین اعضا بسیار پایین است (کوروش نیا و لطیفیان، ۲۰۰۷).

هویت از جمله عوامل فردی است که از یک طرف تحت تأثیر محیط خانواده قرار می‌گیرد (لابویتی، ۲۰۱۵). و از طرف دیگر، خود رقم زننده رفتار و عملکرد افراد است (هگر، اندرسون، کریاکاکی و دارکینز، ۲۰۰۷). رشد هویت شامل فرایندی است که در طی آن افراد به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی پرداخته و جنبه‌هایی را که با اهداف، عقاید، ارزش‌ها و تمایلات آنها هماهنگ است انتخاب می‌کنند (کاراس و سیسیوم، ۲۰۱۸). مدل چرخه دوگانه هویت^۱ که نظریه پرداز اصلی این مدل کوین لایکس^۲ (۲۰۱۳) است

^۱ Dual Cycle Identity Model

^۲ Koen Luyckx

بر دو فرآیند اصلی در هویت‌یابی تأکید دارد: اکتشاف شامل جستجوی فعالانه در مورد گزینه‌های هویتی (شغلی، ایدئولوژیک، یا اجتماعی) و تعهد که اتخاذ تصمیمات پایدار بر اساس اکتشافات انجام شده را تضمین می‌کند. این مدل، هویت‌یابی را به عنوان فرآیندی پویا و غیرخطی توصیف می‌کند که ممکن است در طول زمان تکرار شود. در فرایند هویت‌یابی، اینکه انسان در روند شکل‌گیری هویت، تاچه حد به اکتشاف، کنکاش و جستجوی اطلاعات مربوط به هویت بپردازد و همچنین چگونه انتخاب نمایند و به چه میزان به انتخاب خود پایبند باشند، به محیط پیرامون آنها وابسته است. یکی دیگر از نظریه‌پردازان حوزه هویت اریکسون^۱ است که بیان می‌کند نوجوانی مرحله "هویت در مقابل سردرگمی نقش" است. خانواده با فراهم کردن محیطی امن و حمایتگر، به نوجوانان اجازه می‌دهد هویت خود را از طریق کاوش ارزشها، باورها و اهداف شکل دهند. همچنین بندورا^۲ (۱۹۹۷) در ضمن نظریه یادگیری اجتماعی خانواده به عنوان الگوی اصلی، از طریق مشاهده و تقلید، بر شکل‌گیری هویت نوجوان تأثیر می‌گذارد. معرفی می‌کند و معتقد است غالباً نوجوانان رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های والدین خود را درونی می‌کنند. بوئن^۳ (۱۹۷۸) در ذیل نظریه سیستم‌های خانواده بر «تفکیک خود» در خانواده تأکید دارد و تأکید می‌کند خانواده‌هایی که تعادل بین پیوند عاطفی و استقلال فردی را حفظ می‌کنند، به نوجوانان در شکل‌گیری هویت مستقل کمک می‌کنند.

بامریند (۱۹۹۱) از ارتباط سبک مقتدرانه (حمایتگرانه به همراه چارچوب مشخص) با شکل‌گیری هویت سالم‌تر در نوجوانان سخن می‌گوید. به عبارتی معتقد است در خانواده‌هایی که از روش‌های تربیتی مقتدرانه استفاده می‌شود بیشتر احتمال دارد که فرزندان دست به اکتشاف زده و آزادانه درخصوص اطلاعات هویتی خود جستجو نمایند (مارسیا، ۲۰۰۸). درحالی که در خانواده‌هایی که فرزندان از آزادی عمل و استقلال رأی برخوردار نیستند، میزان اکتشاف کاهش می‌یابد (سیگلمن و ریدر، ۲۰۱۸). در واقع به نظر می‌رسد برخورداری از ارتباط صمیمانه و توأم با آزادی و فراهم آوردن فرصت کاوش در ارزش‌ها و اهداف در محیط خانواده، نوجوان را متمایل به انتخاب آگاهانه و متعهدانه ارزش‌ها و اهداف می‌کند (برک، ۲۰۱۳). این گونه انتخاب، به رشد هویت نوجوان کمک می‌کند و موجب می‌شود نوجوان درک درستی از خود و اهداف زندگی داشته و در قبال انتخاب‌های خود مسئولیت‌پذیر شود. در مجموع می‌توان گفت خانواده و الگوهای ارتباطی حاکم بر خانواده از مهمترین مسائل تاثیرگذار بر فرآیند هویت‌یابی نوجوان است که باید مورد توجه کانون‌های علمی و پژوهشی قرار گیرد.

پیشینه تجربی

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در زمینه هویت‌یابی نوجوانان صورت گرفته است. نتایج پژوهشی که باهدف بررسی هویت‌یابی و مسئولیت‌پذیری بر سلامت روانی نوجوانان توسط خاکپور (۱۴۰۲) انجام شد، نشان داد یکی از علل شکوفایی هویت، علل خانوادگی و اهمیت دادن به نوجوانان در تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌دادن‌ها است باید در نظر گرفت تبعات چنین رفتارهایی در خانواده می‌تواند شکوفایی هر چه بیشتر نوجوانان و مسئولیت‌پذیر شدن آنان را در آینده را تضمین کند. در پژوهشی که توسط موحد، حمیدی‌زاده و علی‌گو (۱۴۰۳) انجام شد اعلام شد؛ یکی از مسائل عمده‌ای که در سالیان بعد از انقلاب به‌خصوص در دهه‌های اخیر توسط مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی مطرح بوده، مسئله بحران هویت است. این بحران که نتیجه تلاقی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی و تقابل آن‌ها در برابر یکدیگر طی سده‌های متمادی است، چالش‌ها و آسیب‌هایی جدی را در مسیر هویت ایرانی قرار داده است. پس از

^۱ Erikson

^۲ Bandura

بررسی نمونه آماری ۲۰۰۰ نفری می‌توان گفت که هویت مدنی با بقیه سازه‌های منابع هویتی ارتباط ندارد و این عدم ارتباط شامل سازه‌های درون‌برد هویت ملی و همچنین سازه‌های مابقی ابعاد هویت است. به نظر می‌رسد سازه‌های فرهنگی نقش زیرساختی و اساسی در هویت‌یابی افراد در دوره‌های نوجوانی دارد و ابعاد رفتاری، تاریخی و سیاسی هویت متأثر از فرهنگ است و چون عنصر فرهنگ یک کل انگیزشی شناختی و رفتاری است، عامل اصلی ارتباط تمامی ابعاد هویتی فرد است. در پژوهش دیگر که توسط محمدی‌نیب، همایونی و مجیدی یایچی (۱۳۹۹) انجام شد، بیان گردید که همبستگی بین خانواده و جهت‌گیری گفت و شنود با بحران هویت رابطه منفی و معنی دار، و بین جهت‌گیری همنوایی با بحران هویت رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. همچنین همبستگی بین خانواده و الگوی ارتباطی والدینمی توانند بحران هویت را پیش بینی کنند. سبزقبایی (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافت که ابراز وجود با الگوی ارتباطی گفت و شنود رابطه مثبت معنادار، و با همنوایی رابطه منفی معنادار دارد. نتایج پژوهش او نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده از عوامل تاثیرگذار بر سلامت نوجوانان است. والدین با شیوه گفت و شنود، درای فرزندان با جرأت مندی و عزت نفس زیاد هستند.

اسچاچنر و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در پژوهش خود تصریح می‌کنند: ایجاد فرصت‌های سیستماتیک برای درگیر شدن با فرهنگ‌ها و هویت‌های میراث متنوع دانش‌آموزان هنگام توسعه برنامه‌های درسی جدید، و همچنین آموزش معلمان برای اجرای برنامه‌های درسی مرتبط با شکل‌گیری هویت، مثمر ثمر است. این بررسی جامع به بررسی شکل‌گیری، رشد و عوامل مؤثر بر هویت خود و هویت گروهی نوجوانان می‌پردازد. نوجوانی را دوره حساسی می‌دانند که با تغییرات قابل توجه و تلاش برای کشف خود مشخص می‌شود. و همچنین تاکید می‌کنند درک فرآیندهای پیچیده‌ای که در توسعه هویت نوجوان رخ می‌دهد برای کسب هویت مثبت نوجوانان بسیار مهم است. مقاله ژنگ و کوپین^۲ (۲۰۲۳) با تکیه بر چارچوب‌های نظری مختلف و تحقیقات تجربی، به بررسی عواملی می‌پردازد که هویت خود نوجوان را شکل می‌دهند، از جمله این عوامل؛ تأثیر والدین، روابط با همسالان، هویت فرهنگی و قومی، و تأثیر مدرسه را معرفی می‌کند. مطالعه تفاوت‌های فردی در قطعیت روزانه (به عنوان مثال، سطوح تعهد هویت) و عدم قطعیت (به عنوان مثال، نوسانات تعهد هویت و تجدید نظر در هویت) در فرآیند شکل‌گیری هویت توسط اندریک و همکاران^۳ (۲۰۱۶) انجام شد. تایید کردند این تصور که تجربه عدم قطعیت هویت روزانه در دوران نوجوانی رایج است. در مجموع نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که الگوی ارتباطی گفت و شنود برسبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری و الگوی ارتباطی همنوایی بر سبک هویتی سردرگم تاثیر مثبت دارد (کوپک و دینیزن، ۲۰۱۲)^۴. و بالاخره رابطه خانواده با تحول هویت نوجوان کانون تمرکز و توجه تعدادی از اندیشمندان و محققان بوده است. برای مثال اسکو و واندربلیپ (۱۹۸۸) در تحقیقات‌شان نشان می‌دهند که در خانواده‌هایی که مذاکرات به صورت یکطرفه و نامتعادل است و خانواده‌هایی که در آن یک عضو خانواده عقیده خود را بر دیگران تحمیل می‌کند، کشف هویت نوجوان در سطح پایین‌تری درجه‌بندی می‌شود.

با الهام از مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده، الگوهای ارتباطی خانواده تاثیرات شگرفی بر رشد و تحول فرزندان دارد. یکی از دوره‌هایی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود تاثیرات والدینی را بیشتر آشکار می‌کند، دوره نوجوانی است. از آنجا که نوجوانی گذر از روابط وابسته پدر و مادر به روابط مستقل با آنها است، فرایند ارتباطی حاکم بر خانواده می‌تواند نقش وحدت بخشی را در کمک به نوجوان برای رویارویی با چالش بزرگ هویت ایفا کند.

¹ Schachner

² Zhang, Qin

³ Andrik

⁴ Koepke, Denissen

به صورت کلی میتوان گفت عوامل فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی از تاثیرگذارترین عوامل در فرآیند هویت‌یابی نوجوانان است و خانواده از طریق مکانیسم‌های ارتباطی بر هویت‌یابی نوجوانان تأثیر میگذارد لذا مطالعه فرآیند تاثیرگذاری الگوهای ارتباطی حاکم بر خانواده بر سبک هویت‌یابی نوجوان پژوهشی مثمرتر به نظر می‌رسد.

روش‌شناسی

باتوجه به اینکه هدف پژوهش، درک کیفی سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده از نظر تجربه‌ی زیسته نوجوانان دختر بود، ورود به درون جهان زیسته آنها مستلزم انتخاب رویکرد و روشی است که بتواند این کار را انجام دهند. یکی از انواع رویکردهای کیفی، روش پدیدارشناسی است. مطالعه پدیدارشناسی، معنای تجربه زیسته افراد متعدد از هر مفهوم یا پدیده را مدنظر قرار می‌دهد (کرسول، ۲۰۰۷، ترجمه دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۶). پدیدارشناسی از نظر لغوی، مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنها بادر نظر گرفتن چگونگی بروز تجلی آنها، قبل از هرگونه ارزشگذاری، تأویل یا قضاوت ارزشی است (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱). به منظور درک تجربه زیسته دختران نوجوان از سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی آنان، در این پژوهش روش کیفی بارویکرد پدیدارشناسی انتخاب شد. مشارکت کنندگان این مطالعه از میان دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهرستان شهرکرد، که در بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ و اواخر دوره نوجوانی هستند، انتخاب شدند. بنابراین میدان پژوهش شامل دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم در بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ بود، افزون بر این تمایل شرکت در پژوهش و علاقه‌مندی به فهم ماهیت معنای تجربه خود از دیگر ملاک‌های ورود به پژوهش بود. همچنین افرادی که در اوایل سن نوجوانی بودند و یا والدین‌شان طلاق گرفته بودند از نمونه حذف شدند.

به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند به منزله‌ی گزینش واحدهای مورد مطالعه باتوجه به ملاک‌های معینی است که توسط پژوهشگر تعیین می‌شود (هومن، ۱۳۹۱). از آنجا که در تحقیقات کیفی قاعده کلی این است که پژوهشگر باید به گردآوری داده‌ها ادامه دهد تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شود، نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت؛ یعنی تا زمانی که هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مضمون به دست نیامد. الزام است مقوله‌ها از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد؛ گوناگونی‌های آن را به نمایش بگذارد و مناسبات مقوله‌ها بخوبی مشخص، و اعتبارشان ثابت شده باشد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰؛ ترجمه افشار، ۱۳۹۶). مصاحبه‌های این پژوهش با ۱۱ نفر انجام شد اما مصاحبه‌ها با فرد نهم اشباع صورت گرفت و در نهایت داده‌ها با مصاحبه با ۹ نفر انتخاب اشباع گردید.

داده‌های این پژوهش، داده‌های کیفی، و براساس مصاحبه نیمه ساختاریافته است. این مصاحبه با سوالات باز پاسخ شروع، و براساس صحبت‌های مشارکت کنندگان و چارچوب پژوهش، ادامه یافت. همچنین پس از اطمینان دادن به مشارکت کنندگان از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از آنان گرفته شد. مصاحبه‌ها به صورت تلفنی و بین ۴۵-۳۰ دقیقه متناسب با روایات، میزان تحمل و علاقه مشارکت کنندگان به طول انجامید. سپس برای تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌ها به دقت روی کاغذ پیاده سازی شد. مصاحبه‌ها با توجه به هدف پژوهش و با تأیید یک استاد مسلط بر مبانی پژوهش کیفی انجام شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن ویژگی آزمودنی‌ها در گزارش نقل قول‌ها از عبارات (شرکت کننده شماره ۱ و ۲) استفاده شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۱ استفاده شد که یکی از روش‌های پرکاربرد تحلیل در تحقیقات پدیدارشناسی توصیفی است (محمدپور، ۱۳۹۰). این روش شامل خواندن یافته‌های مهم هر مصاحبه و هم احساس شدن با افراد مشارکت کننده به منظور درک آنها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده (فرمول بندی)، دسته بندی مفاهیم مشترک، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه افکار و ترکیب آنها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت کنندگان در راستای معتبرسازی نتایج است.

برای بررسی اعتبار وصحت داده‌های پژوهش از چهار معیار قضاوت شامل باورپذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تصدیق پذیری استفاده شد که توسط لینکن و گوبا^۲ (۱۹۹۴) پیشنهاد شده است. برای تضمین باورپذیری، متن مصاحبه در اختیار همکار پژوهشگر قرار گرفت تا درستی نتایج اعمال شود. برای رسیدن به اصل اعتماد و اطمینان، روش تحلیل کلایزی انتخاب گردید که روش مرسوم و قابل قبولی از سوی پژوهشگران پژوهش‌های پدیدارشناسی است. افزون بر این به منظور تأمین تصدیق پذیری، سعی شد پژوهشگران قضاوت‌ها و سوگیری‌های خود را تا حد امکان در کار دخالت ندهند.

یافته‌ها

به منظور مطالعه سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان دختر در خانواده از روش تحلیل کیفی به شیوه پدیدارشناسی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش چهار مضمون اصلی و سیزده مضمون فرعی از تجربه و ادراکات نوجوانان دختر شهرستان شهرکرد از چگونگی سبک‌های الگوی ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی آنان پدیدار شد که عبارت است از: ۱) استقلال داشتن نوجوان ۲) همدلی خانواده با نوجوان ۳) توجه بی قید و شرط به نوجوان ۴) مهارت‌های اجتماعی نوجوان. نتایج اظهارنظرهای نوجوانان در قالب جدول ۲ ارائه خواهد شد و در قسمت بحث، هر کدام از مضمون‌ها تبیین خواهد شد. در جدول ۱ مشخصات نوجوانان شرکت کننده در مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات دختران نوجوان رده سنی ۱۹ و ۲۰ سال شرکت کننده در مصاحبه

ردیف	جنسیت	سن	مجرد/متاهل
۱	دختر	۲۰	مجرد
۲	دختر	۱۹	مجرد
۳	دختر	۱۹	مجرد
۴	دختر	۲۰	مجرد
۵	دختر	۲۰	مجرد
۶	خانم	۲۰	متاهل
۷	دختر	۱۹	مجرد
۸	دختر	۲۰	مجرد
۹	دختر	۱۹	متاهل

^۱ Coiaizi

^۲ Lincon & Goba

جدول ۲: مضمون‌های اصلی و فرعی توصیف سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان دختر

مضمون‌های اصلی و مضمون‌های فرعی		
مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی	مطالعه‌ی سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده
استقلال داشتن نوجوان	متکی بودن به خود	
	داشتن آزادی بیان	
	داشتن اهداف شخصی	
	توانایی حل مسئله	
همدلی خانواده با نوجوان	اعتماد اعضای خانواده	
	مشورت اعضای خانواده با نوجوان	
	نقش گفتگو در خانواده	
	احساس راحتی با نوجوان	
توجه بی قید و شرط به نوجوان	توجه به علایق شخصی نوجوان	
	توجه به عقاید نوجوان	
	دادن فرصت کوشش و خطا به نوجوان	
	روابط مثبت خانواده با دیگران	
مهارت‌های اجتماعی نوجوان	روحیه‌ی کمک‌دهی خانواده به دیگران	

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تجزیه و تحلیل داده‌ها به تولید چهار مضمون اصلی و سیزده مضمون فرعی منجر شد. مضمون اصلی نخست (استقلال داشتن نوجوان) بود که مضمون‌های فرعی "متکی بودن به خود، داشتن آزادی بیان، داشتن اهداف شخصی و توانایی حل مسئله" توسط نوجوان را در برمی‌گرفت.

مصاحبه‌شونده شماره یک در مورد متکب بودن به خود می‌گوید: که از کودکی والدینم سعی می‌کردند متناسب با سنم مرا مستقل بار بیاورند این استقلال در دوره نوجوانی پررنگ‌تر شد و من از اینکه احساس می‌کردم خانواده‌ام از لحاظ توانایی به من اطمینان دارند و استقلال عمل می‌دهند احساس غرور می‌کردم.

عبارت "مادرم همیشه می‌گفت مومن آینه مومن است و باب انتقاد کردن در خانه ما بسته نبود البته انتقادی که توأم با قدرشناسی و احترام باشد" یکی از گزاره‌های مربوط به مضمون فرعی داشتن آزادی بیان است.

"مادرم از کودکی سرگذشت اسطوره‌ها را برایمان به عنوان قصه می‌خواند و باعث می‌شد انگیزه‌ای در من به وجود بیاید و با پیروی از آنها تلاش کنم اهداف زندگی خود را طبقه‌بندی کنم." این عبارت مربوط به مضمون فرعی داشتن اهداف شخصی است.

در باب توانایی حل مسئله مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان می‌دارد: من و برادرم کارهایی را که شاید والدین دیگران به آنها اجازه نمی‌دادند امتحان می‌کردیم البته نه هر کاری کارهایی که در چهارچوب خانواده تعریف شده بود این به من کمک می‌کرد در موقعیت‌های مختلف بتوانم راه حل‌هایی را خلق کنم.

مضمون اصلی دوم (همدلی خانواده با نوجوان) بود که مضمون‌های فرعی "اعتماد اعضای خانواده، مشورت اعضای خانواده بانوجوان، نقش گفتگو در خانواده و احساس راحتی با نوجوان" را دربر می‌گیرد.

"پدرم همیشه به ما اعتماد داشت حتی گاهی اطرافیان او را سوسه می‌کردند اما او می‌گفت من به فرزندانم اعتماد دارم و باعث قوت قلب من بود" این عبارت را مصاحبه شونده شماره سه در مورد مضمون فرعی اعتماد اعضای خانواده بیان می‌دارد.

در باب مشورت اعضای خانواده مصاحبه شونده‌ای اعلام کرد: "هر چند وقت یه بار مورد موضوعات مهم کل اعضای خانواده می‌نشستند و هر کس نظر خود را می‌داد مثلاً ممکن بود برای مسافرت باشد یا خرید ماشین یا هر چیز دیگری."

نقش گفتگو در خانواده دارای عبارتهایی همچون: "هیچ وقت مادرم نگفت که الان خسته‌ام و بعداً صحبت کنیم همیشه **اتفاقات** وقایع و یا اتفاقات مهمی که با دوستانم تجربه می‌کردم را می‌شنید ممکن بود یک اتفاق را که برام بار ارزشی داشت چند بار تعریف کنم اما هیچ وقت تو ذوقم نمی‌زد و با گوش شنوا می‌شنید." است.

"رابطه من والدینم رابطه خاصی هست در عین اینکه برای هم احترام قائل هستیم اما صمیمیت خاصی بین ما هست که شاید دوستان دیگرم آن را تجربه نمی‌کنند." این عبارت در زیرمجموعه مضمون فرعی احساس راحتی با نوجوان قرار گرفته است.

مضمون اصلی سوم (توجه بی قید و شرط به نوجوان) است که مضمون‌های فرعی آن شامل "توجه به علایق شخصی نوجوان، توجه به عقاید نوجوان و دادن فرصت کوشش و خطا به نوجوان" است.

در باب توجه به علایق شخصی نوجوان مصاحبه شونده شماره ۵ بیان کرد: "من در خانواده مذهبی بزرگ شدم یادم هست در آن دوران تمایل داشتم که گیتار یاد بگیرم این در عرف خانواده‌های مذهبی آن زمان سنگین بود اما والدینم گفتند اگر از نظر مرجع تقلید تو ایرادی ندارد ما مشکلی نداریم حتی الان استاد تدریس این رشته هستیم و خانواده‌ام این شرایط را برای من مهیا کردند."

"خیلی وقت‌ها در مورد مسائل مختلف ر خانواده بحث می‌کردیم پدر و مادرم با صبوری عقاید ما را می‌شنیدند ممکن بود عقایدمان کاملاً با هم مخالف باشد اما آنها عقاید من را می‌شنیدند نه اینکه تایید کنند اما تویخ هم نمی‌کردند، با منطق و استدلال جلو می‌رفتیم." این عبارت یکی از عبارتهای مضمون فرعی توجه به عقاید نوجوان است.

"ما یک هیئت کوچک دوستانه داشتیم که پدر و مادرم مدیریت و برنامه‌ریزی آن را به عهده من گذاشته بودند البته گاهی وقت‌ها نقص‌هایی هم داشت اما در مجموع تجربه خوبی بود این مدیریت، در حقیقت یه فرصت کوشش و خطا بود برای ما" این عبارت زیرمجموعه کد فرعی دادن فرصت کوشش و خطا هست

مضمون اصلی چهارم (مهارت‌های اجتماعی نوجوان) است که مضمون‌های فرعی "روابط مثبت خانواده با دیگران و روحیه‌ی کمک‌دهی خانواده به دیگران" را دربر می‌گرفت.

"ما در این شهر غریب بودیم معمولاً ماهی دو بار با دوستان خانوادگی‌مان به گردش می‌رفتیم و همین باعث می‌شد که با دوستانم که در آن خانواده‌ها بودند ارتباط برقرار کنم و خاطرات خوشی داشته باشم." این عبارت زیر مجموعه کد فرعی روابط مثبت خانواده با دیگران است.

کد فرعی روحیه کمک‌دهی به دیگران شامل عبارتهایی همچون "پدرم خیلی دست به خیر است و این روحیه او به من هم تسری پیدا کرده است ر کاری از دستم بر بیاید برای رفع مشکل دیگران انجام می‌دهیم" است.

بحث و نتیجه‌گیری

هویت ازجمله عوامل فردی است که از یک طرف تحت تاثیر محیط خانواده قرار می‌گیرد. و از طرف دیگر، خود رقم زننده رفتار و عملکرد افراد است. رشد هویت شامل فرایندی است که در طی آن افراد به بررسی جنبه‌های مختلف زندگی پرداخته و جنبه‌هایی را که با اهداف، عقاید، ارزش‌ها و تمایلات آنها هماهنگ است انتخاب می‌کنند. این پژوهش با هدف مطالعه‌ی سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی نوجوانان در خانواده انجام شده‌است. بر اساس بررسی‌هایی که در این مطالعه انجام شده است. افراد شرکت کننده در این پژوهش معتقدند که در از آنجا که در خانواده‌هایشان فضای باز و الگوی ارتباطی گفت و شنود وجود دارد، به دلیل تعاملات زیاد و به دور از تعصب در بین اعضای خانواده، امکان رشد بیشتری چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ رفتاری دارد برایشان وجود داشته و در نهایت این رشد در نحوه هویت‌یابی ایشان هم موثر است. همانطور که بیان شد تجزیه و تحلیل داده‌ها به تولید ۴ مضمون اصلی و ۱۳ مضمون فرعی منجر شد. مضمون‌های اصلی شامل استقلال داشتن نوجوان، همدلی خانواده با نوجوان، توجه بی قید و شرط به نوجوان و مهارت اجتماعی نوجوان بود. همچنین شرکت کنندگان در پژوهش اذعان داشتند؛ والدین با فراهم نمودن یک فضای باز و آزاد و تغییرات مثبتی در کیفیت ارتباطات خود باعث می‌شوند فرزندان بتوانند آزادانه نظرات، تمایلات، پیشنهادات و انتقادات خود را بیان نمایند. ایجاد ارتباطات خوب، گسترده و مؤثر با فرزندان، ایجاد فرصت برای ابراز نظر و بیان احساسات، تشویق و ترغیب فرزندان به سخن گفتن و ابراز نظر کردن، پذیرش اشتباهات و لغزش‌های احتمالی نوجوان، احترام گذاشتن به افکار و باورهای فرزندان، استفاده از نظرها و پیشنهاداتی آنها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و به رسمیت شناختن آزادی‌های معقول آنها از جمله موارد و اقدامات مؤثری بود که ماعلام کردند مفید واقع شده و نهایتاً منجر به کسب سبک هویت اطلاعاتی می‌شود. این یافته‌ها با یافته‌های ثانوی و همکاران (۱۳۹۰) و نمازی و سهرابی (۱۳۹۷)، باعزت و همکاران (۱۳۹۱) همسو بود.

یافته‌های پژوهش نشان داد یکی از نتایج سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت یابی نوجوانان در خانواده، استقلال داشتن نوجوان (مضمون اصلی اول) است، به طوریکه نوجوان این موضوع را در ارتباط با اعضای خانواده احساس کند، در تبیین مضمون فرعی اول که متکی به خود بودن نوجوان است. وقتی الگوهای ارتباطی خانواده‌ها به نحوی باشد که برخی کارهای نوجوان را به خودش بسپارند، مسئولیت‌پذیری را در نوجوان پرورش دهند و در جو ارتباطی خانوادگی به عقاید نوجوان گوش داده شود و نظر او پرسیده شود، این احساس متکی به خود بودن و خودمختاری برای نوجوان آشکار می‌شود. نتایج پژوهش محققان نشان می‌دهد که فرزندان متعلق به خانواده‌های کثرت گرا و توافق کننده از خودکارآمدی بالا برخوردارند که در توجیه آن می‌توان گفت: چون در خانواده‌های کثرت گرا موضوعات گوناگون به صورت باز و سرگشاده به بحث گذاشته می‌شود و از ارائه نظرات فرزندان استقبال و در تصمیم‌گیری‌های خانواده لحاظ می‌شود، لذا احساس استقلال و خودمختاری می‌کنند و به دلیل داشتن عقاید و ارزش‌های شخصی خود و نقش آنها در تصمیم‌گیری‌های خانواده، احساس می‌کنند که کفایت و کارایی لازم را دارند و نسبت به توانایی‌های خود اعتماد پیدا می‌کنند و در نتیجه یاد می‌گیرند که می‌توانند در مواجهه با شرایط و رویدادهای سخت، از توانایی‌های خود استفاده و بر آنها غلبه کنند و همین عوامل به تقویت خودکارآمدی آنها منجر می‌شود. همچنین در خانواده‌های توافق کننده نیز از یک سو به تعامل باز، سرگشاده و کشف عقاید فرزندان و از سوی دیگر به حفظ سلسله مراتب موجود اهمیت داده می‌شود و والدین ضمن تشویق و استقبال از نظرات و عقاید فرزندان، سرانجام خودشان تصمیم نهایی را می‌گیرند که با در نظر گرفتن مبانی نظری و پیشینه پژوهش به نظر می‌رسد نسبت به خانواده‌های کثرت گرا از خودکارآمدی پایین‌تر برخوردار باشند (قوزلوجه، باعزت و کیانی، ۱۳۹۱). این یافته با مبانی تئوری الگوهای ارتباطی خانواده (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) که بیان می‌

کند تعامل باز و سرگشاده میان اعضای خانواده و اهمیت به اعتقادات و نظرات فرزندان، به احساس کفایت و توانمندی فرزندان منجر می شود و همچنین با یافته های بوهانک و همکاران (۲۰۰۶)، کاپرارا و همکاران (۲۰۰۵) و کوئستن و همکاران (۲۰۰۴) که حاکی از میزان خودکارآمدی بالا در فرزندان خانواده هایی است که تعامل میان اعضای خانواده سرگشاده و باز بوده و والدین نیز از نظرات و عقاید فرزندان استقبال می کنند، هماهنگ است.

یافته های پژوهش نشان داد که داشتن آزادی بیان نوجوان (مضمون فرعی دوم) در خانواده نیز در نحوه کسب هویت او موثر می باشد، به گونه ای که اگر اعضای خانواده پذیرای نظرات نوجوان باشند و به او اجازه ی ارائه نظراتش درمورد احساسات و افکار و مسائل خانواده و مسائل مربوط به خودش را بدهند، نوجوان احساس توانمندی می کند و میل و توانایی بیشتری برای کنترل موقعیت های دیگر را دارد. نتایج پژوهش محققان نشان می دهد که راحت صحبت کردن نوجوان با پدر یا مادر خود، درباره چیزهایی که آنان را آزار می دهد، به عنوان عامل حمایتی در سلامت روان نوجوان محسوب می شود (لوی و کوری، ۲۰۱۰، موسوی و همکاران، ۱۳۹۲). همانگونه که اریکسون و ماریا خاطر نشان کرده اند شکل گیری هویت پایدار نیازمند جستجوگری، پرسشگری و بررسی نقادانه ایده ها و ارزش هایی است که نوجوان باید درمورد آنها به تصمیم گیری برسد. ازسوی دیگر، وجود فضای بحث و تبادل نظر آزاد در خانواده از یک سو، منجر به رشد مهارت های ارتباطی نوجوان می شود (فراحتی و همکاران، ۱۳۹۰).

همچنین یافته های پژوهش نشان داد اهداف شخصی برای نوجوان (مضمون فرعی سوم) در خانواده هایی با الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت و شنود که رابطه ای تعاملی باهم دارند وجود دارد، نوجوان از اهداف شخصی خود برای اعضای خانواده صحبت می کند بدون اینکه اعضای خانواده بخواهند اهدافی را که خودشان به آنها نرسیدند برای نوجوان تعیین کنند، همچنین توجه و پذیرش اعضای خانواده درمورد اهداف شخصی نوجوان به او کمک می کند تا در راه کسب هویت، همواره تلاش برای رسیدن به اهدافش داشته باشد و در هر مرحله ای از زندگی هدفی را برای خود برگزیند. یافته های پژوهش نشان داد که، همکاری خانواده با نوجوان به منظور حل مسئله توسط نوجوان (مضمون فرعی چهارم) که در شرایط مختلف خودش مسائلی را حل کند و خانواده همیشه در حل مسائل همراه نوجوان نباشند باعث شد تا نوجوان این مهارت را در راستای کسب هویت خود و حتی در برخورد با دوستان و آشنایان و موقعیت های مشابه نیز به کارگیرد. همسو با یافته های این پژوهش، درمورد پیش بینی توانایی حل مسئله نوجوان براساس الگوهای ارتباطی خانواده، نتایج نشان می دهد که جهت گیری گفت و شنود خانواده با حل مسئله خلاق فرزندان رابطه معنادار دارد و پیش بین مثبت و معنادار حل مسئله خلاق است. این یافته همسو با نتایج پژوهش های میرلوحی و دیگران (۱۳۸۶)، واحدی و دیگران (۱۳۸۸)، چو و لین (۲۰۱۰)، حسن زاده و یوسفی (۱۳۹۲)، صبری و دیگران (۱۳۹۲) است.

همسو با یافته های این پژوهش نتایج مطالعات قبلی نشان داد که در الگوهایی که والدین در مراقبت و یا کنترل فرزندان افراط می کنند، دختران از حساسیت بیشتری برخوردار بوده و میزان کمبود اعتماد به نفس و افسردگی در آنها به طور معناداری نسبت به پسران افزایش می یابد (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۱). در خانواده هایی که جهت گیری گفت و شنود حاکم است و همدلی اعضای خانواده با نوجوان (مضمون اصلی دوم) دیده می شود و اعضای خانواده در راستای انجام دادن کارهای شخصی و مسئولیت های عمومی به نوجوان اعتماد می کنند (مضمون فرعی پنجم)، در این صورت نوجوان به مرور زمان اعتماد به نفس بالایی پیدا می کند و سعی می کند اعتماد اعضای خانواده را به خوبی پاسخ دهد و در نتیجه اعتماد اعضای خانواده و اعتماد به نفس او، باعث شده تا در برخورد با نحوه تشکیل هویت هم موفق عمل کنند. همچنین یافته های پژوهش نشان داد که مشورت اعضای خانواده با نوجوان (مضمون فرعی ششم) در راستای تصمیم گیری های خانوادگی، باعث عزت نفس و رابطه بهتر نوجوان با خانواده خود می شود و از تعارضات بین نوجوان و والدین جلوگیری می کند، وقتی اعضای خانواده از نظرات نوجوان بهره مند می شوند در واقع نوجوان را در مسیری قرار می دهند که بتواند

مشورت و تصمیم‌گیری را یاد بگیرد و از آن در نحوه کسب هویت خود و مراحل بعدی زندگی استفاده نماید. همسو با نتایج این پژوهش، مطالعات قبلی نشان داد که والدین با وجود حس عاطفی نسبت به فرزندان خود و همچنین با توجه به اینکه خانواده نمودی از یک نظام اجتماعی بسیار کوچک است، (که در آن تصمیمات جمعی و مشارکت در تصمیم‌گیری بسیار مهم است) سعی میکنند هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای انجام کارهای مختلف، مانند انتخاب مقصد سفر، تصمیمات خانوادگی و خرید و... یکطرفه و تک بعدی عمل نکرده و از نظرات و سلیق فرزندان‌شان نیز در انجام برنامه‌ریزی سفر استفاده کنند. این اقدام نه تنها منجر به ایجاد حس رضایت و تعالی فکری فرزندان می‌شود، بلکه می‌تواند حس اعتماد به نفس و مهم بودن در خانواده را در فرزندان به وجود آورد. این عامل کمک زیادی به ایجاد حس مطلوب و جوعاطفی مناسب در بین اعضای خانواده می‌کند (کون و همکاران، ۲۰۱۴). یافته‌های پژوهش نشان داد که گفتگوی مثبت و سازنده در خانواده با نوجوان (مضمون فرعی هفتم)، باعث تقویت اعتماد به نفس و همچنین افزایش اعتماد و احساس راحتی نوجوان به جو خانوادگی خود می‌شود، گفتگوهای مثبت و دوطرفه بین خانواده و نوجوان باعث می‌شود نوجوان بتواند در شرایط بهتری و درمورد موضوعات گوناگون با خانواده خود گفتگو کند و از کناره‌گیری و انزوا خودداری کند، درنهایت این امر باعث می‌شود نوجوان در طی تشکیل هویت خود در رابطه با دوستان و دیگران نیز از این گفتگوی مثبت در خانواده الگو بگیرد. همسو با نتایج این پژوهش، نتایج مطالعات قبلی نشان داد که هرچه محیط خانواده بیشتر شرایط گفتگوی راحت را درباره طیف وسیعی از موضوعات فراهم آورد بیشتر فرزندان می‌توانند به رشد شخصی و بلوغ فکری دست یابند و همچنین سلامت بیشتر و زندگی غنی‌تر فرزندان را در پی دارد (نانوی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین نتایج پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که نوجوان در محیط گفتگو با روبه‌رو شدن با سوالات فرصت یافتن پاسخ مناسب را پیدا میکند و از این طریق قدرت استدلال و پاسخ منطقی را به دست می‌آورد و هم زمان اطمینان به خود در نزد نوجوان افزایش می‌یابد (رضائیان و توتونچی، ۱۳۹۸).

همسو با یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش‌های قبلی نشان داد که اگر والدین رابطه نزدیک و صمیمانه با نوجوان خود برقرار کنند (مضمون فرعی هشتم)، بدون شک او هم به تدریج مشکلات و مسائل خود را با آنها در میان می‌گذارد (کریمی و فاطمی، ۱۳۹۷). در خانواده‌هایی که نوجوان احساس راحتی با اعضای خانواده دارد و از گفتن مسائل و صحبت‌های خود در مواجهه با والدین ترسی ندارد این امر موجب این می‌شود که نوجوان بتواند در هر شرایطی ارتباط خود با خانواده را حفظ کند و درنهایت این احساس راحتی باعث افزایش دلگرمی نوجوان شده تا درحین کسب هویت به راحتی بتواند از مشکلات و مسائل خود با اعضای خانواده گفتگو کند و همچنین محیط سالمی برای پیشرفت او ایجاد می‌شود همچنین نوجوان بلوغ خود را در فضایی همراه با احترام و توجه تجربه می‌کند، همچنین نکته قابل ذکر درمورد دختران نوجوان مشارکت‌کننده این بود که اکثر آنها در ارتباط با اعضای خانواده، با مادر و خواهر خود احساس راحتی بیشتری داشتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که توجه بی‌قید و شرط به نوجوان (مضمون اصلی سوم) در خانواده‌های دارای الگوی ارتباطی گفت و شنود وجود دارد، همچنین توجه به علایق شخصی نوجوان (مضمون فرعی نهم)، توسط خانواده‌های دارای الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت و شنود در مسیر کسب هویت نوجوان اثربخش دارد، نوجوان با رفتار والدین دارای این الگوی ارتباطی احساس پذیرفته شدن از سوی والدین و اعضای خانواده خود را درک میکند و این توجه به علایق نوجوان باعث بیدار شدن حس استقلال در نوجوان می‌شود، خصوصاً درمورد مسائلی مانند انتخاب رشته و انتخاب کلاس برای اوقات فراغت نوجوان بهتراست که علایق نوجوان در نظر گرفته شود. همسو با یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش‌های قبلی نشان داد که اگر در خانواده‌ها توجه به عقاید نوجوان (مضمون فرعی دهم) وجود داشته باشد و والدین به نگرش‌ها و دیدگاه‌های فرزند به دیده‌ی احترام بنگرند نوجوان یاد می‌گیرد با تلاش فراوان به اهداف و آرمان‌هایش برسد (صباغی، اسمعیلی و کلانترکوشه، ۱۳۹۴). در خانواده‌هایی که مبتنی بر الگوی ارتباطی گفت و شنود هستند، اعضای خانواده عقاید و نگرش نوجوان‌ها را درمورد مسائل مختلف جویا می‌شوند به طوری که جوی تعاملی و بدون تحمیل در خانواده صورت بگیرد براساس این نوجوان

از بیان عقایدش هرچند مخالف با عقاید اعضای خانواده ترسی ندارد و نوجوان در راه کسب هویت خود این موضوع را یادمیگیرد که عقاید و نگرش دیگران را هرچند مخالف، بشنود و به آنها احترام بگذارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که هرچه اعضای خانواده فرصت بیشتری برای کوشش و خطا به نوجوان بدهند (مضمون فرعی یازدهم)، نیاز نوجوان به استقلال طلبی را رفع میکند و این فرصت به نوجوان کمک میکند تا با استفاده از راه‌های گوناگون و خطا کردن بتواند مسائل و موقعیت‌های سختی که برایش بوجود می‌آید را حل کند و درنهایت این آزمون و خطاها براساس نظر ثرندایک به یادگیری تبدیل می‌شود، همچنین در خانواده‌هایی با الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت و شنود جو تعاملی و فرصت برای کوشش و خطا برای نوجوان مهیا می‌شود و این کار باعث می‌شود در کسب هویت خود همواره بدنبال راه‌حل‌های دیگران برای حل مشکلات و مسائل نباشد و به خود اتکا کند. همسو با یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش‌های قبلی نشان داد که خانواده‌های با گفت و شنود بالا تمایل دارند فرزندان با مهارت اجتماعی بالا (مضمون اصلی چهارم) تربیت کنند. این خانواده‌ها معمولاً ارتباطاتی باز در خانواده ایجاد کرده و مخالفت‌ها و ابراز احساسات را تشویق میکنند که این امر لذت از ایجاد ارتباط باز و وسیع با دیگران و درگیر شدن درایت ارتباطات را به دنبال دارد (بامریند ۱۹۹۶). همچنین فرزندان دارای جهت‌گیری گفت و شنود، احتمالاً مهارت‌های ارتباطی رشدیافته‌تری دارند که این به نوبه‌ی خود به آنها اجازه میدهد درباره نقش‌ها و انتظارات خود به طور موثری با دیگران گفتگو کنند (نمازی و سهرابی، ۱۳۹۷). اسلبیوگورا، سازگاری اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی توصیف کرده‌اند که عبارت است از توانایی برقراری ارتباط متقابل با دیگران به طریقه‌ی خاصی که در عرف جامعه قابل قبول باشد. درحالی‌که اسلوموسکیودان، سازگاری اجتماعی را فرآیندی میداند که فرد را قادر می‌سازد تا از طرفی رفتار دیگران را درک و پیش بینی کند و از طرف دیگر رفتار خود را کنترل کند تا نهایتاً تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کند (خدایاری فر، ۲۰۱۰). سیگلمن ورایدر (۲۰۱۸) نیز بیان کردند در خانواده‌هایی که تعاملات گسترده و پاسخگویی متقابل بین والدین و فرزندان وجود دارد، فرزندان از احساس همدلی و رفتارهای نوع دوستانه بیشتری برخوردار هستند. در خانواده‌هایی که به گفت و شنود تمایل دارند روابط مثبت اعضای خانواده با دیگران (مضمون فرعی دوازدهم) مثل دوست و فامیل، باعث افزایش مهارت اجتماعی نوجوان هم می‌شود، این موضوع باعث شده تا نوجوان در هنگام هویت یابی نیز روابط مثبت خود با دیگران را همواره حفظ نماید، در صورت نیاز به دیگران کمک کند و یا از مهارت‌های لازم به کارگرفته شده در بین اعضای خانواده برای ارتباطات خود با سایرین استفاده نماید. همچنین روحیه‌ی کمک‌دهی خانواده به دیگران (مضمون فرعی سیزدهم)، باعث می‌شود تا نوجوان نیز با الگوبرداری از این موضوع در پی کمک‌دهی و فعالیت برای دیگران از جمله دوستان و آشنایان و مردم جامعه باشد.

بنابراین در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که والدین در نحوه هویت‌یابی نوجوانان تاثیر زیادی دارند. نوجوانانی که به درکی از هویت خود می‌رسند و درک سالمی از خود دارند، با والدینی مواجه هستند که استقلال و عزت نفس نوجوان را پرورش می‌دهند، رفتاری که بانوجوان خود دارند توأم با همدلی و توجه بی قید و شرط است و باعث افزایش مهارت‌های اجتماعی نوجوان و سازگاری اجتماعی او می‌شوند. درنهایت در صورتی که خانواده این فضای امن را برای نوجوان فراهم آورند، نوجوانان با شروع از فضای کوچک‌تر و امن خانواده، تجربیات و دانسته‌های خود را باطمینان به کار می‌گیرند و به مرور زمان از آنها در محیط‌های بزرگتر استفاده می‌کنند و هویت نوجوان تقویت می‌شود.

یکی از ویژگی‌های خانواده‌های با جهت‌گیری گفت و شنود نقش حمایتگری عاطفی آنان است. در این خانواده‌ها والدین با آرامش خاطر و صبر به خواسته‌ها، تمایلات و احساسات فرزندان توجه می‌کنند و در مواقع تنش و سختی، از آنها حمایت عاطفی می‌کنند که همان توجه بی قید و شرط به نوجوان است. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که فرزندان این خانواده‌ها از ویژگی‌هایی نظیر خوشبینی و وظیفه‌شناسی و خوداتکایی برخوردار بوده که می‌تواند به راحتی از نقاط قوت و ضعف خود سخن بگوید. از طرفی یکی از ویژگی‌های خانواده‌های با جهت‌گیری گفت و شنود اعتماد به نوجوان در راستای انجام دادن کارهای شخصی و اجتماعی است، زمانیکه

خانواده با نوجوان در راستای مباحثی مشورت می‌کند نوجوان در نحوه‌ی هویت‌یابی این شجاعت را پیدا میکند تا در جوامع و گروه‌های دیگر هم از مهارت گفتگو و مشورت با دیگران استفاده کند و نظرات خودش را بیان کند.

نحوه هویت‌یابی نوجوان در جامعه‌ی ما بسیار مهم تلقی می‌شود و از آنجایی که نقش خانواده در این امر بسیار موثر است، این مسئله یکی از دغدغه‌های والدین و خانواده‌های ایرانی در برخورد با نوجوان است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به منظور تدوین دستورالعمل آموزشی نوجوانان و خانواده‌ها مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی مدارس نیز می‌توانند در کمک به نحوه هویت‌یابی نوجوانان و همچنین آگاهی دادن به خانواده‌ها و والدین از موارد ذکر شده در این پژوهش استفاده نمایند. یافته‌های این پژوهش به نوجوانان هم در راستای نحوه رسیدن مطلوب به هویت کمک می‌کند.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این موضوع اشاره کرد که این مطالعه به صورت هدفمند در مورد نوجوانان دختر در بازه سنی ۱۹ و ۲۰ سال انجام گرفته، لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده نمونه‌ای از سبک الگوهای ارتباطی خانواده و نحوه هویت‌یابی پسران نوجوان در این سن مورد مطالعه قرار گیرد. این مطالعه با روش کیفی مورد بررسی قرار گرفته است و جادارد در دیگر پژوهش‌ها به منظور گردآوری اطلاعات به جز روش‌های کیفی از رویکردهای کمی-کیفی استفاده گردد، همچنین از دیگر محدودیت‌های قابل توجه این است که تاثیر وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی والدین نیز در نحوه‌ی هویت‌یابی نوجوان مورد بررسی قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان: همه نویسندگان به صورت برابر در نگارش مقاله نقش داشتند.

تعارض منافع:

در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش:

نویسندگان کلیه نکات اخلاقی بویژه عدم دستکاری داده‌ها را در این مقاله رعایت کرده‌اند.

منابع

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۹۹۰). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۶)، تهران: نشر نی.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، نوری، زهرا و سعید، علی (۱۳۹۱). روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، پرستاری و مامایی جامع نگر، ش ۲۲ (۶۸): ۵۶-۵۳.
- باعزت، احمد. کیانی، فرشته. (۱۳۹۱)، مقایسه خودکارآمدی دانش آموزان با توجه به الگوهای ارتباطی خانواده. نشریه خانواده و پژوهش، شماره ۱۶، ۷۰-۵۹.
- بحرینی، مسعود. اکابریان، ش. (۱۳۹۱). تاثیرات الگوی تعلق والدینی بر افسردگی و اعتماد به نفس دوره نوجوانی. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دوره دهم، شماره یک.
- برجعی، احمد (۱۳۸۷). تحول شخصیت نوجوان. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). روانشناسی نوجوان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ثانوی، فریبا. نویدیان، علی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوی ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده. سال اول، شماره یک.

- چمل‌نژاد، مرتضی، ذاکری، مختار (۱۳۹۷). « تحلیل و تبیین علم تعلیم و تربیت در پرورش هویت بر مبنای وضعیت‌های هویت‌یابی، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳۶، بهار و تابستان، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- حسن زاده، م. و یوسفی، ف. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده، خودکارآمدی اجتماعی و خلاقیت اجتماعی دانش آموزان مدارس راهنمایی شیراز. مجله علوم رفتاری، ۱۰۹(۷)، ۱۱۶-۱۱۲.
- خاکپور. (۲۰۲۴). بررسی هویت یابی و مسئولیت پذیری بر سلامت روانی نوجوانان. همایش پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۶ (۱۶)، ۲۶۷۳-۲۶۸۴.
- رضائیان، حمید. توتونچی، بهاره. (۱۳۹۸). پیش بینی هویت دینی فرزندان براساس الگوهای تعاملی خانواده، دینداری والدین و تفکر انتقادی نوجوان. مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشکده الزهراء، دوره هفت شماره سه.
- سبزیبایی، مریم (۱۳۹۵). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با جرأت ورزی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی در رشته مشاوره و راهنمایی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد دزفول.
- شیخ الاسلامی، راضیه، برزو، شیوا (۱۳۹۴). فرزندپروری و مسئولیت پذیری در نوجوانان: نقش واسطه گری سبک‌های پردازش هویت. روشها و مدل های روانشناختی، سال ششم شماره نوزدهم.
- صباغی، حمیرا، اسمعیلی، عصومه. کلاترکوشه، محمد (۱۳۹۴). مطالعه اثربخشی درمان مرور زندگی با گرایش هستی شناسی اسلامی بر روابط والد- فرزندی نوجوانان. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۲۳(۲۶)، ۱۶۳-۱۳۹.
- صبری، مصطفی، البرزی، محبوبه و بهرامی، محمود (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۳۴، ۶۴-۳۵.
- عامری، فریده، عمویی، ناهید (۱۳۹۵). « نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۳۰، صص ۷۷-۹۱.
- فراحتی، م؛ فتحی آشتیانی، ع و مرادی، ع. (۱۳۹۰). رابطه میان الگوهای ارتباطی خانواده و مهارت‌های ارتباطی نوجوانان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۸۶-۶۹.
- کرسول، جان (۲۰۰۷). پویای کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم نگاری، مطالعه موردی)، ترجمه حسن دانایی فرد، وحسین کاظمی (۱۳۹۶)، تهران: انتشارات صفار.
- کریمی، مریم. فاطمی، نسربین. (۱۳۹۷). رابطه کیفیت تعامل والد فرزندی با گرایش به تفکر انتقادی و مولفه‌های سلامت روان در دانش آموزان دختر نوجوان. پژوهش‌های مشاوره جلد ۱۷، شماره ۶۸.
- کوروش نیا، مریم؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده. فصلنامه خانواده پژوهی. س ۳ ش ۱۲: ۸۷۵-۸۵۵.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- محمدی نسب، مهری، همایونی، علیرضا، مجیدی یایچی، نفیسه (۱۳۹۹) بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی ارتباطی والدین با بحران هویت نوجوانان. پژوهش های جامعه شناسی، ۱۴(۱،۲)، ۱۱۹-۱۳۰. موحد، مجید، حمیدی زاده، احسان، علیگو، محمود (۱۴۰۳). تحلیل شبکه‌ای هویت نوجوانان پنج قوم آذری، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، 17(1), 65-96. doi: 10.22035/jicr.2024.3244.3533
- موسوی، م. جلویاری، فاطمه. تبریزی، مصطفی (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش رویکرد ارتباطی ویرجینیا ستیرر بر رابطه والد- فرزندی دختران نوجوان. روانشناسی کاربردی، ۷(۴)، ۲۵-۹.

میرلوحی، ف.، مولوی، ح. و آتشیپور، ح. (۱۳۸۶). رابطه بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت دانش‌آموزان کلاس چهارم و پنجم دبستان شهر اصفهان. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۳۱، ۸۲-۶۹.

نمازی، فرحناز. سهرابی، نادره. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌گری سازگاری اجتماعی در بین الگوهای خانواده و سلامت روان نوجوانان. *فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی*، شماره ۲۹.

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱). راهنمای عملی پژوهشی کیفی، تهران: سمت.

واحدی، ش.، لطفی‌نیا، ح. و یوسفی‌شهیر، ن. (۱۳۸۸). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان در مراکز پیش دبستانی شهر تبریز. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۳، ۱۲۲-۱۰۷.

- Bandura, A. (1977). *Social learning theory**. Prentice Hall.
- Baumrind, D. (1996). The discipline controversy revisited. *Family Relations*, 45, 405-414.
11. Daniels, M., & Stupnisky, H. (2012). Not that different in theory: Discussing the control value theory of emotions in online learning environments. *Internet and Higher Education*, 15, 222- 226.
- Berck, L. (2013). *Developmental Psychology*. (Volume Two, Twenty-Third Edition), Yahya Seyed Mohammadi Translation, Tehran Arasbaran Publishing.
- Bohanek, J.G., Marin, K.A., Fivush, R., & Duke, M. P. (2006). Family narrative interaction and children's sense of self. *Family Process*, 45, 39-54.
- Campbell-Salome, G., Rauscher, E. A., & Freytag, J. (2019). Patterns of
- Caprara, G. V., Pastarelli, C., Scabini, E., & Bandura, A. (2005). Impact of adolescents' filial self-efficacy on quality of family functioning and satisfaction. *Journal of Research on Adolescents*, 15, 71-97.
- Cho, S., & Lin, Ch. (2010). Influence of family processes, motivation, and beliefs about intelligence on creative problem solving of scientifically talented individuals. *Special Issue: Cross-Cultural Research on Academic Olympiad Competitions*, 33, 215-231.
- Communicating About Family Health History: Exploring Differences in conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26.
- Coyne, I., Amory, A., Kiernan, G., & Gibson, F. (2014). Children's participation in shared decision-making: Children, adolescents, parents and healthcare professionals' perspectives and experiences. *European Journal of Oncology Nursing*, 18(3), 273-280.
- Depression] *Persian journal of family research*, 10, 587-600.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis**. W. W. Norton & Company.
- Family Communication Patterns and Children's Level of Anxiety and Family Types, Age, and Sex. *Health Education & Behavior*, 46(5), 809-819.
- for three health behaviors. *Personality and Individual Differences*, 42, 111-119.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105
- Hagger, M., Anderson, M., Kyriakaki, M., & Darkings, S. (2007). Aspects of identity and their influence on intentional behavior: Comparing effects. *Journal of Personality and social Psychology*, 27, 211-219.
- Kaltiala, R., Heino, E., Marttunen, M., & Fröjd, S. (2023). Family Characteristics, Transgender Identity and Emotional Symptoms in Adolescence: A Population Survey Study. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(4), 2948. <https://doi.org/10.3390/ijerph20042948>
- Karaś, D., & Cieciuchm, J. (2018). The relationship between identity processes and well-being in various life domains. *Personality and Individual Differences*, 121, 111-119.
- Khodayarfar, M. (2010) Preparing measurement scales for spiritual attitudes in Sharif university students [Dissertation]. Tehran: Sharif University of Technology

- Koepke, S., & Denissen, J. A. (2012). Dynamics of identity development and separation individuation in parent child relationships during adolescence and emerging adulthood. A conceptual integration. *Developmental Review*, 32 (1), 67-88.
- Koerner, A. & Fitzpatrick, M.A. (2002). Understanding family communication
- Koesten, J. (2004). Family communication patterns, sex of subject, and communication competence. *Communication monographs*, 71, 236-244.
- Koesten, J., Miller, K. I., & Hummet, M. L. (2002). Family communication, selfefficacy, and white female adolescent risk behavior. *Journal of Family Communication*, 2, 7-28
- Kouroshnia M.A, Latifian M (2007). [Relationship Between Dimensions of
- Laboviti, B. (2015). Relations between the Parenting Styles and Identity Status of Teenagers in Albanian Context, *Journal of Educational and Social Research*, 5,1, 65-72.
- Levin, K. A., & Currie, C. (2010). Family structure, mother-child communication, father-child communication, and adolescent life satisfaction. A cross-sectional multilevel analysis. *Health Education*, 110, 152-168.
- Luyckx, K., et al. (2013). "A dual-cycle model of identity formation". **Developmental Review**.
- Marcia, J. E. (2008). Development and validation of ego identity status.
- McLeod, J. M. & Chaffee, S. H. (1972). The construction of social reality. In J.Tedeschi (Ed.), *the Social Influence Process*, (pp. 50-59). Chicago: Aldine-Atherton.
- Methods and Models*, 6 (19), 119-97. (Persian)
- Moguillansky, R. (2013). The role of family in adolescent identity. *Vertex (Buenos Aires, Argentina)*, 24(108), 139–147. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/24251300/>
- patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and
- Polit DF, Beck ChT. (2008). *Nursing research, generation and assessing evidence for nursing practice*. 8th ed. Philadelphia: Wolters Kluwer Health/ lippincott Williams & Wilkins.
- Sheikhalslami, R., & Borzo, S. (2015). Parenting and responsibility in teens:
- Sigelman, C. K., & Rider, E. A. (2018). *Human development across the life span*. Wadsworth: Cengage learning.
- Steinberg, L. D. (1996). *Adolescence*. New York: Mc Grae-Hill.
- The mediating role of identity processing styles. *Journal of Psychological*
- Valenzuela, S., Bachmann, I., & Aguilar, M. (2019). Socialized for News Media Use: How Family Communication, Information-Processing Needs, and Gratifications Determine Adolescents' Exposure to News. *Communication Research*, 46(8), 1095-1118.
- Wang, N., Roaché, D. J., & Pusateri, K. B. (2019). Associations between Parents' and Young Adults' Face-to-Face and Technologically Mediated Communication Competence: The Role of Family Communication Patterns. *Communication Research*, 46(8), 1171-119
- Zhang, Y., & Qin, P. (2023). Comprehensive review: Understanding adolescent identity. *Studies in Psychological Science*, 1(2), 17-31.